



بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) - 14 / خرداد / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الاطيبين
الأطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الأرضين.

سلام و رحمت خدا بر روح مطهر امام بزرگوار و شهدای انقلاب اسلامی. امروز بار دیگر ملت ایران سالگرد امام بزرگوارمان را با این تجدید یاد و خاطره، در جهت مکتب امام و راه امام پی میگیرند. هر سال روز چهاردهم خرداد فرصتی است برای مطرح شدن بخشی و بُعدی از ابعاد زندگی مطهر امام و خط مبارک و روشن آن بزرگوار. امسال این روز با روز اول ماه مبارک رجب هم همراه است. ماه رجب، ماه رحمت و برکت الهی است. از پیغمبر مکرم اسلام نقل شده است که فرمود: «اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان». (1) این ماه و ماه شعبان، گذرگاه مؤمنان به سوی ماه ضیافت الهی - ماه مبارک رمضان - است.

امسال سالگرد امام با یک حادثه‌ی مهم دیگر نیز همراه و همزمان است و آن، بیداری اسلامی است؛ حادثه و حماسه‌ای که امام بزرگوار ما انتظار آن را میکشیدند، آرزوی آن را داشتند و از آن خبر هم داده بودند. امام بزرگوار حرکت بیداری ملت‌های مسلمان را پیش‌بینی میکرد و خداوند متعال تفضل فرمود، این پیش‌بینی به وقوع پیوست؛ همچنان که سقوط حکومت شوروی را پیش‌بینی کرد و خدای متعال آن را تحقق بخشید. امروز عرایض من در دو بخش است، که امیدوارم بتوانم در مدت کوتاهی این دو بخش را عرض کنم. یک بخش، مروری است بر درس بزرگ امام بزرگوار ما؛ مروری بر مکتب ماندگار امام عزیز ما که ذخیره‌ی ملت ایران است؛ سرمایه‌ای است که ملت ایران با تکیه‌ی بر آن، با در دست داشتن این سرمایه، توانسته است گذرگاه‌های دشواری را که به طور معمول و متعارف در سر راه ملتی با چنین آرمان‌هایی قرار دارد، طی کند. یک بخش هم نگاه به مسائل منطقه است.

در باب مکتب امام، این نکته را ملت عزیز ایران کاملاً میدانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه‌ی قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دلها موج میزند، اما این همه‌ی مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت میرساند. در طول این سی و دو سال گذشته، عملاً هم همین بوده است. یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه‌های امام جامه‌ی عمل بپوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره‌ی امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه میکنند. در این سی سال، ملت ما توانسته است در مقابل سنگین‌ترین توطئه‌ها ایستادگی کند. علیه ملت ایران توطئه‌ی نظامی بود، توطئه‌ی امنیتی بود، توطئه‌ی اقتصادی بود - این تحریم‌های گسترده در طول این سی سال وجود داشته است - توطئه‌ی تبلیغاتی بود - امپراتوری گسترده‌ی رسانه‌ای و تبلیغات، علیه ملت ایران به طور کامل مشغول کار و تحریک بوده است - توطئه‌ی سیاسی بود. ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد. مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمیگرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک



معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. من نسبت به هر کدام، چند جمله‌ای عرض خواهم کرد.

بُعد سومی هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه‌ی بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا میکشاند، به انحراف میبرد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود.

من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض میکنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه‌ی به آراء مردم. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود. قرنهای متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و بظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان‌شان گزنده‌تر و سخت‌تر و مصیبت‌بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله‌ی حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه‌ی انتخابات آزاد را، جز در برهه‌های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند. در یک چنین کشوری، در یک چنین فضائی، امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. بارها شنیدید که در طول این سی و دو سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی میگذرد، در حدود سی و دو یا سی و سه انتخابات در کشور اتفاق افتاده است، که مردم آزادانه پای صندوق‌های رأی آمدند و رأی خودشان را به صندوق انداختند و منشأ تشکیل مجلس و دولت و خبرگان و شوراهای شهر و امثال اینها شدند. این، بارزترین نمونه‌ی عقلانیت امام بزرگوار ما بود. یک نمونه‌ی دیگر از عقلانیت امام و تکیه‌ی او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال میکنند عقل اقتضاء میکند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه‌ی مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته‌ی قوام‌یافته‌ی این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان رویارویی، دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود.

یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت بود. در طول سالهای متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی‌ها در این کشور - یعنی از اول قرن 19 میلادی که پای غربی‌ها به ایران باز شد - دائماً به وسیله‌ی عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیلهای گوناگون، توی سر ملت ایران میزدند؛ ملت ایران را تحقیر میکردند، به ملت ایران میباوراندند که نمیتواند، عرضه‌ی اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانائی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر میکردند. اینجور وانمود میکردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله‌ی غربی‌ها بشود؛ ملت ایران توانائی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد، و این نقطه‌ی تحول ملت ایران شد. پیشرفتهای ما در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی صنعتی، در انواع و اقسام عرصه‌های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاستمدار ایرانی ما، مبلغ ایرانی ما احساس توانائی میکند.



این شعار «ما میتوانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود.

یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام اینجور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفتهای علمی، امام یک قاعده‌ی محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده میشود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد.

از جمله‌ی مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد. این حرف را در دوران حکومتهای استبدادی بر زبان جاری میکردند که آقا مملکت صاحب دارد. مرادشان از صاحب مملکت، دیکتاتورها و مستبدینی بودند که بر کشور حکمرانی میکردند. امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند.

مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه که احساس میکرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام میداد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد. از شروع مبارزات در سال 1341، امام اینجور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام میدهیم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست. بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله‌ی خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین هم تکرار میکردند. امام ماها را امر میکردند به این که اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن‌ظن به پروردگار باشیم، برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود. بعد از پایان ماه رمضان، انسان وقتی امام را میدید، به طور محسوسی در او احساس نورانیت میکرد. از فرصتهای زندگی برای تقرب به خدای متعال، برای پاکیزه کردن دل و جان مظهر خودش استفاده میکرد. دیگران را هم امر میکرد و میگفت: ما در محضر خدا هستیم. عالم، محضر خداست. عالم، محل حضور جلوه‌های الهی است. همه را به این راه سوق میداد. خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق میداد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت میکرد، به مردم هم سفارش میکرد، به مسئولین هم سفارش میکرد. امام ماها را توصیه میکردند به این که مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی‌عیب ندانیم. همه‌ی مسئولین طراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا. این معنویت امام بود، این اخلاق امام بود؛ این یکی از ابعاد مهم درس امام به ماست.



بُعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. اگرچه به يك معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمیخیزد، اما برجستگی بُعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را به طور مشخص تری در مقابل ما قرار میدهد. از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در يك نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه میکرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ماها که آن روز جزو مسئولین بودیم، امام دوست میداشت که با مردم ارتباط داشته باشیم، مأنوس باشیم؛ اصرار داشت که خدمات به اقصی نقاط کشور برده شود؛ مردم نقاط دور، از خدمات عمومی کشور بهره‌مند شوند. اینها ناظر به آن بُعد عدالت امام بزرگوار بود. امام اصرار داشت که مسئولین از میان مردم انتخاب شوند، از خود مردم باشند، وابستگی‌ها ملاک قبول مسئولیتها نباشد. وابستگی به شخصیتها، به فامیلیها، بلای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما را نسبت به این قضیه حساس کرده بود. گاهی در مقام تعریف از يك مسئولی میگفتند: این از دل مردم برخاسته است. ملاک را این میدانستند. از نظر امام بزرگوار، تکیه‌ی به ثروت و تکیه‌ی به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خب، اینها ابعاد خط امام است.

برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی و دو سال از گردنه‌های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین‌المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمانهای خود پیش رفته است. ما باید رعایت کنیم، منتها همه‌ی جوانب را با هم. اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمیکند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

همین طور در نقطه‌ی دیگر: اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایداء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه يك عنوان مجرمانه‌ای بر يك حرکتی، بر يك حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمیخواهد براندازی کند، نمیخواهد خیانت کند، نمیخواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمتکم شئان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور میدهد و میگوید: مخالفت شما با يك قومی، موجب نشود که عدالت را



فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوی»؛ (2) این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد. بُعد معنویت هم همین جور. ما اهل معنویتیم، اهل توسلیم، اهل توجهیم، اهل ذکریم؛ خدا را شکر. فضای جامعه‌ی ما، مالا مال از توجه به خداست. ماه رمضان کشور ما، یک ماه رمضان تماشائی است؛ بهار معنویت است. این جوانهای عزیز ما در جلسات قرآن، در جلسات ذکر و دعا، در جلسات توسل، آنچنان حضور نورانی‌ای دارند که انسان لذت میبرد. در روزهای آینده، همین مراسم اعتکافی که جوانان ما راه می‌اندازند، پدیده‌ی شگفت‌آوری است.

در دوران جوانی ما، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ایام نیمه‌ی رجب که روزهای معروف اعتکاف است، شاید در مسجد امام آن روز، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر طلبه - آن هم در مرکز حوزه‌ی علمیه، که قم باشد - اعتکاف می‌کردند؛ این کار معمول نبود، بلد نبودند. امروز در دانشگاه‌های کشور، هزاران نفر از جوانان دانشجو - دختران و پسران - در مساجد دانشگاه‌ها اعتکاف می‌کنند، سه روز عبادت می‌کنند، خلوت می‌کنند، با خدای خود ارتباط برقرار می‌کنند؛ مساجد بزرگ و مجامع بزرگ که جای خود دارد. اینها معنویت است. کشور ما اهل معنویت است، اما معنویت ما همراه و همروال است با احساس مسئولیت. این معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه کمک به حرکت انقلابی است. آن کسانی که با تکیه‌ی به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی می‌کنند جامعه را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را از حضور در عرصه‌های کشور دور نگه دارند، اشتباه می‌کنند، راه خطا می‌روند، دچار انحرافند؛ این ابعاد با همدیگر است.

من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیبه‌ی شهدائی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده‌اند، شهادت می‌دهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم می‌بینم و میتوانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقب‌تر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی می‌دهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده‌اند؛ ارزشها را نگه داشته‌اند، حفظ کرده‌اند و پای آن ایستاده‌اند؛ مردم بودند که نقشه‌های دشمنان ما را خنثی کردند.

نمی‌خواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم؛ هم وقت نیست، هم شاید الان وقت این صحبت نیست؛ اما به اجمال و اشاره عرض میکنم که دشمنان ما تصور می‌کردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آنها خیال می‌کردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده ساله کردند - این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند - ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال 78 که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال 78 مردم آمدند در خیابانها، توطئه‌ی دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه‌ریزی ده‌ساله بود تا سال 88. به نظرشان فرصتی به دست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند.

مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته‌ی به نظامند، وفادار به نظامند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال 88 به وجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند - البته فقط تهران را - دو سه ماه توانستند دلها و ذهنها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطنها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته‌هاشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه‌ی ثه دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور،



میلیونها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان شاء الله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد.

خوشبختانه این حرکت عظیم مردم ثمرات خودش را هم بخشیده است. به برکت اعتمادی که مردم به مسئولان کشور از خودشان نشان دادند، به برکت امنیتی که با حضور مردم در سرتاسر کشور برقرار است، مسئولین توانسته‌اند خدمت‌رسانی را گسترش بدهند و کارهای بزرگی انجام دهند؛ کارهای زیربنائی عظیمی در کشور انجام بگیرد، که شرط لازم برای پیشرفت هر کشوری، همین کارهای زیربنائی است که امروز دارد یکی پس از دیگری انجام میگیرد؛ مردم دارند این را می‌بینند و ان شاء الله ثمراتش را در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهند دید. به برکت همین امنیتی که با حضور مردم به وجود آمده است، توطئه‌های امنیتی دشمنان خنثی میشود، توطئه‌های تبلیغاتی دشمنان خنثی میشود. به برکت همین حضور مردم است که پیشرفت علمی و فناوری کشور در سطح عالی است. امروز طبق آمارهای بین‌المللی - نه آمارهای ما - طبق محاسبات بین‌المللی که اعلام رسمی هم میکنند، سرعت پیشرفت علمی کشور ما، یازده برابر یا دوازده برابر متوسط دنیاست؛ این چیز کمی نیست. این را مخالفین ما میگویند، دشمنان ما آن را اعلام میکنند. امروز جوانان دانشمند شما در بیش از ده رشته‌ی مهم درجه‌ی اول علمی و فناوری کشور آنچنان پیشرفتی کرده‌اند که در ردیفهای اول دنیا - یعنی در ردیفهای کمتر از دهم دنیا - قرار گرفته‌اند؛ اینها به برکت حضور مردم است. این حضور، این اعتماد متقابل، این احساس مسئولیت عمومی هرچه ادامه پیدا کند، کشور پیشرفت بیشتری پیدا خواهد کرد. خط امام، این است.

چند جمله هم درباره‌ی مسائل منطقه عرض بکنم. اولاً آنچه که در منطقه‌ی شمال آفریقا و منطقه‌ی ما اتفاق افتاده است، حوادث بسیار مهم و تاریخ‌سازی است. آنچه در مصر اتفاق افتاد، آنچه در تونس اتفاق افتاد، این بیداری عظیمی که در کشورهای اسلامی اتفاق افتاده است، از آن حوادثی است که گاهی دو قرن، سه قرن میگذرد تا یک چنین حادثه‌ای به وجود بیاید؛ از آن حوادث بسیار مهم و تأثیرگذار و تاریخ‌ساز است. البته ملت مصر موفق شد، ملت تونس موفق شد؛ بخصوص پیروزی انقلاب مصر، پیروزی بسیار درخشانی است؛ بسیار کار عظیمی است. در برخی کشورهای دیگر، مثل لیبی، مثل یمن، مثل مردم مظلوم بحرین، مبارزاتی دارد انجام میگیرد؛ هر کدام هم حکم خودش را دارد. آنجا هم حرکات مردم محکوم به پیروزی است؛ دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. وقتی مردم بیدار شدند، وقتی یک ملت احساس قوت و قدرت و توانائی کرد، هیچ چیزی نمیتواند راه او را سد کند. البته دشمنان ملت‌های مسلمان - یعنی نظام سلطه، آمریکای شیطان بزرگ، صهیونیست‌های غدار و حیوان‌صفت - مشغول فعالیتند و دارند تلاش میکنند؛ میخواهند نگذارند این پیروزی‌ها به کام مردم شیرین بیاید و به معنای واقعی کلمه به پیروزی نهائی برسد؛ اما اگر ما ملت‌های مسلمان بیدار باشیم، به ندای قرآن - که ما را به صبر و استقامت و ثبات امر میکند، به ما امید میدهد - گوش کنیم، به خدای متعال سوء ظن نداشته باشیم، به وعده‌ی الهی امیدوار باشیم و برای آن تلاش و کار کنیم، بدون شک این ملتها به پیروزی میرسند. البته در لیبی سیاست دولتهای غربی این است که کشور لیبی را ضعیف کنند، کم خون کنند؛ سیاستشان این است که جنگ داخلی ادامه پیدا کند تا کشور از رمق بیفتد، بعد یا خودشان مستقیم یا غیرمستقیم بیایند امور آن کشور حساس را به دست بگیرند. کشور لیبی اولاً دارای منابع سرشار نفت است، ثانیاً یک قدمی اروپاست؛ بنابراین برای مستکبرین جهانی، برای آمریکا، برای کشورهای مستکبر در اروپای غربی بسیار مهم است؛ نمیخواهند آسان از او دست بردارند، میخواهند ضعیف کنند. اگر آن کشور را وا میگذاشتند، مردم میتوانستند غلبه کنند، حکومت مردمی و اسلامی بر سر کار می‌آمد، برای آنها خطری بود؛ لذا میخواهند نگذارند این اتفاق بیفتد.

در یمن هم چیزی شبیه این است. یمن هم از لحاظ سوق‌الجیشی مهم است؛ از لحاظ همسایگی با بعضی از



کشورهای مرتبط با آمریکا و جغرافیای سیاسی، بسیار مهم است؛ آنجا هم نمیخواهند بگذارند مردم به پیروزی برسند. سیاست آمریکا و غرب در این دو کشور این است که مردم به پیروزی نرسند.

مردم بحرین هم در مظلومیت مطلق به سر میبرند. در آنجا هم به عنوان اینکه اینها شیعه هستند، میخواهند حرکت را حرکت طائفی و مذهبی معرفی کنند؛ در حالی که قضیه این نیست. البته مردم بحرین شیعه‌اند، در طول تاریخ شیعه بودند، اکثریت شیعه‌اند؛ اما مسئله، مسئله‌ی شیعه و سنی نیست؛ مسئله این است که این ملت، مظلوم است؛ از حقوق اولیه‌ی یک شهروند در کشور خود، در خاک خود، در سرزمین خود محروم است. حق خود را مطالبه میکند، حق رأی دادن خود را مطالبه میکند؛ میگوید بتوانم رأی بدهم، بتوانم در تشکیل دولت و حکومت نقش ایفاء کنم؛ این که جرم نیست؛ این یک حق مشروع است. آن وقت آمریکائی‌های دروغگوی ریاکار و خدعه‌گر که ادعای حقوق بشر و ادعای دموکراسی میکنند، در قضیه‌ی بحرین اینجور علیه مردم وارد میدان میشوند. البته انکار میکنند، میگویند ما نیستیم، سعودی‌ها هستند؛ اما سعودی‌ها بدون چراغ سبز آمریکا نمیتوانستند وارد بحرین شوند و اینجور حوادث تلخ و خونبار را در بحرین به وجود بیاورند. لذا آمریکائی‌ها هم مسئولند.

دو سه نکته را عرض بکنم؛ وقت تمام شده است و گذشته است. نکته‌ی اول این است که شاخص عمده در حرکت مردمی این کشورها سه چیز است: یکی اسلامی بودن، یکی ضد آمریکا و صهیونیست بودن، و یکی مردمی بودن. این شاخص در همه‌ی این کشورها مشترک است. ملت مصر که یک ملت شاخص در دنیای عرب و دنیای اسلام است، ملتی است که این نهضت را به راه انداخته است، این انقلاب را در کشور خودش به وجود آورده است، هم اسلامی است، هم مردمی است، هم صریحاً ضد آمریکا و ضد صهیونیستی است. بقیه‌ی کشورها هم همین جور.

موضع ما در مقابل این حرکت‌های مردمی روشن است: هر جا حرکت اسلامی است، مردمی است، ضد آمریکائی است، ما با این حرکت همراهیم؛ اما اگر در جایی ببینیم با تحریک آمریکائی‌ها، با تحریک صهیونیست‌ها، یک حرکتی به راه افتاده است، با آن حرکت همراهی نمیکنیم. ما با حرکت‌های ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی همراهیم. آنجائی که خود آمریکا و خود صهیونیست‌ها وارد میدان میشوند تا یک رژیم را ساقط کنند، تا یک کشوری را اشغال کنند، آنجا ما نقطه‌ی مقابل حرکت آمریکائی‌ها قرار میگیریم. آمریکا نمیتواند به نفع ملت‌های این منطقه فکری بکند و کاری بکند؛ هر کاری میکنند و هر کاری تا امروز کردند، بر علیه ملت‌های این منطقه بوده است. این موضع ماست.

نکته‌ی دوم: این کشورهایی که بحمدالله به پیروزی رسیدند - مخصوصاً مصر که کشوری بزرگ و دارای میراث غنی اسلامی و معنوی و فرهنگی است - باید مراقب باشند؛ دشمن از در بیرون رفته است، از پنجره برنگردد. این کمک‌هایی که میگویند آمریکا ممکن است به مصر یا به هر کشور دیگری بکند، خودش مایه‌ی گرفتاری است.

آمریکائی‌ها از راه همین کمک‌ها و همین دلارهاست که تسلط خود را بر کشورها تحکیم میکنند، توقعات خودشان را تحمیل میکنند؛ ملتی که آزادی به دست آورده است، او را دوباره در زیر پنجه‌ی اقتدار ظالمانه‌ی خود قرار میدهند. همه باید بیدار باشند. البته ملت مصر بیدارند. این حرکت عظیمی که ملت مصر در اعتراض به موضع رژیم قبلی مصر در زمینه‌ی فلسطین و غزه و گذرگاه رفح انجام دادند، حرکت بسیار باارزشی بود؛ باید ادامه پیدا کند. مصر کشور تأثیرگذاری در دنیای عرب است؛ به همین مناسبت هم بود که آن کسانی که میخواستند کشورهای عربی را در مقابل رژیم غاصب صهیونیست به زانو در بیاورند، رفتند سراغ مصر. پیمان ننگین کمپ‌دیوید را در مصر تحمیل کردند. بعد از قبول پیمان کمپ‌دیوید در مصر بود که بتدریج کشورهای دیگر عرب هم تسلیم شدند، در مقابل آمریکا خاشع شدند؛ مسئله‌ی فلسطین از صحنه‌ی تصمیم‌گیری کشورهای عربی بکلی خارج شد. باید مراقب باشند. روی مصر حساسند. یک روز بعد از دوران جمال عبدالناصر که غربی‌ها و استکبار رانده شده بودند، دوباره برگشتند؛ این تجربه نباید در مصر تکرار شود. ملت مصر بیدارند، هوشیارند و امیدواریم خداوند به آنها در این زمینه هم کمک کند.

نکته‌ی دیگر این است که این سرکوبها فایده‌ای ندارد. ملتها بالاخره وقتی بیدار شدند، وقتی قدرت خودشان را



شناختند، این راه را دنبال خواهند کرد و ان شاءالله حرکت ملت‌های منطقه - چه در آن کشورهایی که امروز حرکت هست، چه آن کشورهایی که بالقوه در آنها این حرکات وجود دارد - به پیروزی خواهد رسید. مردم در این کشورها پیروز خواهند شد، منتها باید مراقب حرکات تفرقه‌افکنانه‌ی دشمنان باشند. امروز، هم در مصر، هم در تونس، در شمال آفریقا و در سایر کشورهای اسلامی، دشمنان در پی ایجاد تفرقه‌اند. بخصوص چون ایران اسلامی کانون حرکت در مقابل استکبار است، می‌خواهند بین ایران اسلامی و کشورها فاصله بیندازند؛ فاصله‌های قومی، فاصله‌های مذهبی. حتی در داخل خود این کشورها می‌خواهند تفرقه ایجاد کنند. امروز در مصر کسانی از این گروه‌های تکفیری و وهابی و اینها تلاش میکنند به بهانه‌های مختلف بین مردم مصر با یکدیگر هم اختلاف بیندازند؛ باید در مقابل این اختلاف‌افکنی‌ها هوشیار بود.

موضع ما در مقابل فلسطین هم موضع روشنی است. ما معتقدیم سرزمین فلسطین، کشور فلسطین، یکجا متعلق به فلسطینی‌هاست. آن کسانی که سعی کردند نقشه‌ی فلسطین را از روی صفحه‌ی جغرافیا پاک کنند، اشتباه کردند؛ چنین اتفاقی نخواهد افتاد. فلسطین باقی است. چند دهه‌ای غاصبان آن را غصب کردند، اما بدون تردید دوباره به مردم فلسطین و به آغوش اسلام برخواهد گشت؛ و این اتفاق خواهد افتاد. مردم فلسطین هم بیدارند. فلسطین تجزیه‌پذیر هم نیست؛ فلسطین یکپارچه متعلق به فلسطینیان است. جمهوری اسلامی از چند سال پیش راه حل را اعلام کرده است. راه حل مسئله‌ی فلسطین، این راه‌حلهای آمریکائی و امثال آنها نیست؛ اینها راه به جائی نخواهد برد. راه حل این است که یک فراندوم و همه‌پرسی‌ای از مردم فلسطین انجام بگیرد؛ هر رژیم‌ی را که آنها بر طبق فراندوم رأی دادند، آن رژیم باید بر کل فلسطین حاکم شود. بعد آنها خودشان تصمیم خواهند گرفت که با این صهیونیست‌هایی که از خارج وارد کشور فلسطین شدند، چه معامله‌ای بکنند؛ این بسته به نظر آن رژیم‌ی است که برخاسته‌ی از آراء مردم فلسطین است.

پروردگارا! ملت‌های مسلمان، ملت مصر، ملت تونس، ملت لیبی، ملت یمن، ملت بحرین، ملت مظلوم فلسطین را در تحت عنایات خودت به پیروزی کامل برسان. پروردگارا! برکات خود را بر ملت عزیز ایران روزافزون کن. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه‌ی شهدا را در عالی‌ترین مقامات متنعم بفرما. ما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) قرار بده.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(1) مفاتیح‌الجنان، اعمال اول ماه رجب

(2) مائده: 8